



”

روایت جومونگ  
ضد قهرمان هم  
زیاد دارد که حس  
تنفر و انزجار  
مخاطب از تمامی  
آنها نشانه درستی  
و درآمدن قصه  
است. در پایان  
سریال، سوگ  
از دست دادن  
قهرمان و فقدان  
او نیز درس آموز  
است

است برای ماکه دیروز و امروزمان  
پراز قهرمانان و اسطوره‌های  
جاودانه اند اما نتوانسته ایم  
روایتشان کنیم، یا بهتر است  
بگوییم هنوز قصه آنها در نیامده  
است. درآمدنی از جنس قصه  
سریال افسانه جومونگ، سعید  
جلیلی گفته بود رستم‌هاز یادند  
اما فردوسی‌هاکم، بیراه نیست اگر  
بگوییم جومونگ‌هاز یادند اما  
«چوی وان‌گیو» (۴) «هاکم»!

از دست دادن قهرمان و فقدان او نیز درس آموز است، جومونگ  
بر اثر جراحات در طول دوران مبارزه می‌میرد؛ یعنی اولاً هیچ وقت  
کسی نتوانسته او را شکست دهد. ثانياً در یک لحظه تمام  
مبارزات و تلاش‌های او بار دیگر به ذهن مخاطب می‌آید. ثالثاً  
صحنه از دنیا رفتن او نشان داده نمی‌شود و صرفاً بیان می‌شود  
که این‌گونه مرده است، یعنی تصویر قهرمان همیشه باید در  
اوج بماند.  
حتماً دلایل دیگری برای مؤلفه‌های روایی سریال «افسانه  
جومونگ» می‌توان برشمرد و در مورد ضعف و قوت آنها صحبت  
کرد؛ اما به نظر می‌رسد هیچ کدام به میزان قصه اهمیت و اثر  
نداشته اند. روایت قهرمان ساز «افسانه جومونگ» درسی

[۱] رابرت مک‌کی، داستان، انتشارات هرمس، ص ۱۶

[۲] همان

[۳] فردریک میسر، روایت و کنش جمعی، نشر اطراف، ص ۱۲۳

[۴] اشاره به نویسنده سریال افسانه جومونگ

